مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۵ ، زمستان ۱۴۰۰، ص ۴۹-۲۷
http://www.jase.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۵ / زمستان ۱۴۰۰ / ص ۴۹-۲۷

# بررسی ترومای کرونا در زندگی روزمره، در آثار هنرمندان تجسمی حوزه نقاشی با تاکید بر مسئولیت اجتماعی (مطالعه موردی آثار منتخب بهزاد شیشه گران)

**نسرین رضایی[۱]، محسن کرامتی مقدم[۲]، مجید کرامتی مقدم[۳]**

[۱] کارشناسی ارشد علوم ارتباطات، مطالعات فرهنگی و رسانه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز
[۲] دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان
[۳] دکتری مدیریت ورزشی ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد

نام نویسنده مسئول:
**نام و نام خانوادکی**

**چکیده:**

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ترومای کرونا در زندگی روزمره، در آثار هنرمندان تجسمی حوزه نقاشی با تاکید بر مسئولیت اجتماعی (مورد مطالعه اینستاگرام) بوده است. در این تحقیق ابتدا با روش توصیفی مفاهیم و نظریات مربوط به اندیشه‌های نشانه شناسی و سیر زایشی معنا مطرح شده، سپس با رویکردی تحلیلی میان نظریات و آثار هنری مورد بحث در زمان کرونا از (بهزاد شیشه گران در حوزه نقاشی) ارتباط برقرار کرده تا با کمک آن‌ها به خوانش متن بپردازد. بر این اساس، جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل آثار منتخب هنرمندان در حوزه نقاشی که با موضوع ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹، خلق شده‌اند مورد تحلیل محتوایی قرار می‌گیرند. لذا در تحقیق حاضر، نمونه آماری شامل آثار هنرمند ایرانی بهزاد شیشه گران (در حوزه نقاشی در شش ماهه نخست بحران کرونا است. نشانه‌شناسی و ساختارگرایی سوسوری در انجام این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌ها نشان داد: ترومای کرونا در زندگی روزمره، در آثار هنرمندان تجسمی (در حوزه نقاشی) در غالب مسئولیت اجتماعی در اینستاگرام نقش داشته است. هم‌چنین فعالیت‌های هنرمندان حوزه تجسمی (در حوزه نقاشی) در غالب مسئولیت اجتماعی در اینستاگرام در زمان بحران کرونا تاثیرات مثبتی داشته است.

**واژگان کلیدی:** ترومای کرونا، هنرهای تجسمی، نقاشی، مسئولیت اجتماعی، اینستاگرام.

**مقدمه و بیان مساله:**

هنر تجسمی، هنری مبتنی بر بینش است. رنگ‌های روی بوم نقاشی که راوی روایت‌ها و داستان‌هایی اعجاب برانگیز است، عکس‌هایی که متوقف کننده زمان است یا مجسمه‌های جان داری که نمایانگر عشق و احساسند همگی برآمده از تفکر است. شاید بتوان گفت تعطیلی گالری‌ها یکی از مهم‌ترین تأثیرات شیوع ویروس کرونا بر هنرهای تجسمی‌است. این در حالی است که مهم‌ترین ویژگی این نوع هنرها کاربردی بودن آنها است. هنرهای زیبایی چون نقاشی، طراحی، مجسمه‌سازی، تصویرگری، خوشنویسی، تذهیب و معماری را می‌توان در دسته هنرهای تجسمی قرار داد. یکی از موضوعاتی که امروزه در دنیا در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوع مسئولیت اجتماعی افراد است و تعهدی است که این افراد در کنار زندگی در جامعه در عرصه‌های دیگر از جمله زندگی شخصی، آموزش و مسائل اجتماعی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و ارتقاء شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده‌های خود انجام می‌دهند.

در دنیا موضوع مسئولیت اجتماعی یک موضوع کاملاً شناخته شده است و بدون التزام منشور دارد. تولید آثار هنری با موضوع کرونا و تلاش برای فرهنگ‌سازی با موضوعاتی همچون اهمیت ماسک زدن و قرنطینه خانگی برای حفظ جان خود و اطرافیان، با افزایش آمار ابتلا به بیماری کووید-۱۹ در همان ماه‌های اولیه شیوع بحران در بسیاری از کشورهای دنیا و از سوی هنرمندان مشهوری که به دلیل محبوبیت و شهرت از تاثیرگذاری اجتماعی برخوردار بودند، آغاز شد. این جریان در کشور ایران نیز شکل گرفت و برخی از هنرمندان عرصه هنرهای تجسمی تلاش کردند که با خلق آثار هنری مرتبط با فرهنگ‌سازی به منظور جلوگیری از شیوع هر چه بیشتر ویروس کرونا اقدام به خلق آثار هنری و نمایش آن نه در گالری‌ها، بلکه در صفحات اجتماعی خود کنند. در این میان با در نظر گرفتن اهمیت مسئولیت‌پذیری اجتماعی که برای شخصیت‌های مشهوری همچون هنرمندان از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است، بررسی نشانه‌شناسی آثارهنری تولیدشده در راستای فرهنگ‌سازی غیرمستقیم به زبان هنر بسیار حائز اهمیت است. شاید مهم‌ترین و برجسته‌ترین اتفاقی که در ماه‌های اخیر و در فضای اینستاگرام هنرمندان به وقوع پیوست، تقویت و افزایش فرهنگ مردم و آشنایی آن‌ها با ابعاد مختلف ویروس و میزان خطرات ناشی از آن بوده است؛ چرا که بسیاری از هنرمندان با تولید محتوا به آموزش همگانی و آگاهی‌بخشی مردم پرداخته‌اند که اگر منصف باشیم تاحد زیادی موفق هم بوده‌اند. استقبال مردم از پست‌ها و میزان لایک و تعداد کامنت‌ها شاید یکی از نمونه‌های مهم و برجسته توفیق این اقدامات به شمار می‌رود. بر همین اساس در سال‌های اخیر زنگ خطر از سوی بسیاری از کارشناسان حوزه ارتباطات و رسانه زده شد که می‌توان با افزایش سواد رسانه‌ای جوامع و همچنین فعالیت برنامه‌ریزی شده رسانه‌های رسمی، افرادی که دارای شخصیت حقوقی هستند در کنترل محتوای بی‌نهایت تولیدشده در فضای مجازی موثر باشند. در همین راستا بسیاری از افرادی که از محبوبیت اجتماعی برخوردارند یا از نظر علمی در رده‌های بالا قرار دارند، شروع به تولید محتوا در این فضای رسانه‌ای کردند.

**چهارچوب نظری:**

**کرونا:**

یکی از بیماری‌هایی که اخیراً مردم اکثر نقاط جهان را مبتلا کرده و باعث مرگ بسیاری از افراد شده است، بیماری کووید-۱۹ است. کرونا ویروس‌ها گروهی از ویروس‌ها هستند که هم در انسان و هم در برخی حیوانات می‌توانند باعث بیماری شوند. در انسان برخی از کرونا ویروس‌ها صرفاً بیماری خفیف مانند سرماخوردگی ایجاد می‌کنند. کووید ۱۹ یک بیماری عفونی جهانی است که در دسامبر ۲۰۱۹ از ووهان چین ظهور کرد. این بیماری به ۲۱۰ کشور در سراسر جهان گسترش یافته است. سازمان بهداشت جهانی (WHO) در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۰۲۰ آن را همه‌گیری اعلام کرد و نگرانی‌های بهداشت عمومی بین‌المللی را برای آن مطرح کرد (بیانیه دومین جلسه کمیته اضطراری مقررات بین‌المللی بهداشت[۱]، ۲۰۲۰).

**نشانه‌شناسی:**

واژۀ نشانه‌شناسی دارای ریشۀ یونانی است. این علم در قلمرو نشانه[۲] و معنا[۳] به پژوهش می‌پردازد و در حقیقت از واژگان علم پزشکی که علائم بیماری‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد، برگرفته شده است. از دوران باستان، فیلسوفان، منطق‌دانان و دستور زبان‌شناسان، به تحقیق دربارۀ نشانه‌ها مشغول بوده‌اند و از عصر رمانتیک تا به امروز، شاهد تلاش پی‌گیر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ادبیات‌پژوهان برای تدوین نظریه‌ای منسجم دربارۀ دلالت در ارتباط و شناخت، بوده‌ایم (دینه سن، ۱۳۹۰، ۱۱).

**زبانشناسی و نشانه‌شناسی:**

زبانشناسی، منتسب به دوسوسور است. حوزه مورد علاقه او، نشانه زبانی است که در آن دنباله‌رو سنّت نظریه‌پردازی در باب نشانه‌های قراردادی است و مفهوم در اولویت قرار دارد. او معتقد است فرآیند ارتباط زبانی مستلزم انتقال محتوای ذهن است. زیرا نشانه‌هایی که رمزگان مورد استفاده در ارتباط میان دو شخص را می‌سازند، محتوای ذهن هریک از آن‌ها را آشکار می‌کنند. ترکیب ذهن با نوع خاصی از رمزگان نشانه‌ای، نکته‌ای بود که به دوسوسور جسارت داد، طراحی یک علم جدید را انجام دهد؛ که به بررسی زندگی نشانه‌ها در دل زندگی اجتماعی پرداخته و بخشی از روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی عمومی باشد که به آن نشانه‌شناسی لقب داد (کابلی و لیتزا، ۱۳۹۱، ۱۴-۹).

**عناصر نشانه‌شناسی:**

عناصر نشانه‌شناسی را می‌توان در چهار عنوان اصلی گروه‌بندی کرد:

۱. زبان و گفتار؛ زبان به‌عنوان یک نماد اجتماعی و نظام ارزشی است که خود فرد نمی‌تواند آن را خلق کند یا تغییر دهد. زبان اساساً یک قرارداد اجتماعی است و فرد برای ارتباط با دیگران باید آن را در تمامیتش بپذیرد. ولی گفتار در مقابل زبان، اساسا یک فعل فردی مربوط به انتخاب و فعلیّت بخشیدن است و به‌تعبیری، گفتار یک فعل ترکیبی است که با فعل افراد مرتبط است؛ نه صرف آفرینش‌های زبانی آنان.

۲. دالّ و مدلول؛ دالّ و مدلول از اجزاء نشانه‌شناسی هستند. دالّ یک واسطه است و حتما به ماده و موضوعی نیاز دارد و جوهر دالّ، همیشه مادّی است(صداها، اشیاء، تصاویر و تخیّلات) و مدلول نیز در پس دالّ قرار دارد و فقط از طریق دالّ می‌توان به آن دست یافت و آن چیزی است که از مدلول فهم می‌شود.

---

[۱] Statement on the second meeting of the International Health Regulations
[۲] Sign
[۳] Meaning

۳. همسازه و نظام؛

۴. تطابق و تضّمن (بارت، ۱۳۹۶، ۹).

**تفاوت نشانه‌شناسی و هرمنوتیک:**

از زاویه‌ای دیگر، نشانه‌شناسی عبارت است از مطالعه‌ی نشانه‌ها و فرآیندهای تأویل، با توجّه به این‌که یک چیز، فقط هنگامی نشانه است که یک تأویل‌گر آن را به‌عنوان نشانه‌ی چیزی تأویل کرده باشد؛ بنابراین روابط ژرفی میان نشانه‌شناسی و هرمنوتیک وجود دارد؛ امّا نشانه‌شناسی معاصر به‌طور کامل مستقل از هرمنوتیک تحوّل یافته است. نشانه‌شناسی مدّعی است، پیش از آنکه نظریه‌ای در باب تأویل باشد، نظریه‌ای در باب نشانه‌ها و رده‌بندی آن‌ها و تحلیلی در باب واژگان و دستورهای زبان و نظام‌ها و قراردادهاست. البته به تازگی تأکید آن بر مسائل مربوط به تأویل، به‌نحوی گسترده‌تر، بر کاربردشناسی نشانه‌ها معطوف شده است. به دلیل اهمیّت نشانه‌های زبان و ارتباطات انسانی، دیر زمانی است مباحث ارتباطات، با تفکّر در باب زبان درآمیخته است (گیرو، ۱۳۹۹، ۱۴۳). دوسوسور در دورهٔ زبان‌شناسی عمومی که در سال (۱۹۱۶) منتشر کرد، وجود یک دانش عمومی از نشانه‌ها (نشانه‌شناسی) را مسلّم فرض کرد که زبان‌شناسی فقط یک جزء آن است. پس هدف نشانه‌شناسی، بررسی و درک هرنظامی از نشانه‌ها، بدون توجّه به ماهیّت و محدودیّت آن‌هاست.

هنر به هر یک از فعالیت‌های نقاشی، مجسمه‌سازی (پیکرتراشی)، معماری، تئاتر، سینما، موسیقی (آوازخوانی و نوازندگی)، سفالگری، طراحی، عکاسی، کنده‌کاری، جواهر سازی و نظیر آنها گفته می‌شود که در آنها خلاقیت و نوآوری وجود داشته باشد و حس زیبائی شناختی در آنها به نمایش گذاشته شود. بر اساس بسیاری دیگر از تعاریف، هنر پدیده‌ای است که هنرمند می-آفریند و هنرمندان اکثراً رنجوران محرومی هستند که از دردهای خود نالان بوده و در پی درمان می‌گردند و می‌کوشند که به شیوه‌ای خردمندانه دردها و آلام خود را بیرون ریخته و روان را از سموم پاک کنند. روانشناسان هنری از تحلیل زندگی هنرمندان بزرگ چنین استنباط کرده‌اند که هنر چیزی جز انعکاس زندگی هنرمندان نیست و آثار هنری همانا نماینده‌ای از هنرمندان خلاق است. بسیاری از پژوهشگران، محققین و روانشناسان نیز هنر را پدیده‌ای خلاقانه و ساخته دست بشر می‌دانند که با عقاید، اندیشه‌ها، مفاهیم، معانی و احساسات ارتباط برقرار می‌کند و عنصر زیبائی‌شناختی در آن مطرح است و بر این اساس هنر را به نقاشی، طراحی، سفالگری، مجسمه‌سازی، سینما، تئاتر، معماری، شعر و ادبیات، موسیقی و هنرهای دستی تقسیم‌بندی می‌کنند (هنفلینگ، ۱۳۹۸، ۴۳).

**روانشناسی هنر:**

روانشناسی هنر، مطالعه حالات روانی هنرمند، هنرشناس، هنر پیشه و دوستدار هنر زیبایی است. از زمان افلاطون و ارسطو (فیلسوفان یونان باستان) تا کنون مکرراً در رابطه با طبیعت هنر و هنرمند و خلاقیت هنری بحث شده و باورهائی در رابطه با «پزشکی» و «هنر» وجود دارد. به اعتقاد افلاطون، شاعر به عنوان هنرمند موجودی است مقدس و هر گز برای او امکان ندارد که شعری سراید، مگر اینکه به وی الهام شود. در اوایل قرن نوزدهم دانشمندان چون شلینگ، هربارت و شوپناهور نتیجه گرفتند که آفرینش هنری با ضمیر ناخودآگاه انسان ارتباط دارد. فون هارتمن نیز توضیح داد که تداعی اندیشه‌ها به وسیلهٔ تمایلات ناخود آگاه راهنمایی می‌شود و رویا و آفرینش هنری نوعی فعالیت ناخودآگاه است (عناصری، ۱۳۹۷، ۷۱).

هنرمند طبعی درون‌گرا داشته و از مبتلایان به اختلالات روانی چندان دور نیست، اما برای تامین کام‌روایی خود وسیله‌ای ندارد، پس مانند تمام ناکامان به واقعیت پشت کرده، ولی در عالم چنان دنیائی می‌سازد که هر روح گرسنه‌ای برای آسایش و تسلی خود جویای آن است. روی این اصل مورد ستایش مردمان واقع شده و آنچه را که ممکن بود فقط در واقعیت به دست

آورد از طریق خیال تحصیل می‌کند و به قول زیگموند فروید: «از خیال بافی به واقعیت راهی است و این راه هنر است» (سعدی‌پور، ۱۳۷۹، ۶۵).

**هنردرمانی برای کودکان و نوجوان:**

کودکان در دوره‌های مختلف رشد خود از نوزادی گرفته تا نوجوانی می‌توانند از هنر درمانی و آموزش هنر استفاده‌های بسیاری برند. امروزه در کودکستان‌ها و مدارس سرتاسر دنیا معمولاً برای آموزش مهارت‌هایی چون مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس، کاهش استرس و اضطراب و ایفای نقش از برنامه‌های آموزش هنر نظیر موسیقی و نقاشی استفاده گوناگونی می‌شود (کیس و دیلی[۴]، ۲۰۰۸، ۷۷).

در واقع بسیاری از پژوهشگران در هر کدام از مراحل رشد کودک سعی می‌کنند تا به آموزش برنامه‌های هنر درمانی پرداخته و این برنامه‌ها را با سطح رشدی کودک متناسب سازند. نکته مهم این است که شکست کودکان در هر کدام از مراحل مختلف رشدی (نوزادی، خردسالی، کودکی نهفته و نوجوانی) وقفه‌ای در رشد کودک ایجاد می‌کند و این شکست می‌تواند جنبه‌های هیجانی، شناختی، روانی و ادراکی کودک را درگیر کند. این شکست‌ها می‌تواند به علت تعارضات و مشکلات درونی کودک نظیر مشکلات اضطرابی، هیجانی و یا به علت عواملی خارجی نظیر ضربه و حوادث زندگی، ناتوانی‌های ذهنی، جسمی، فقدان محیط مناسب، اختلالات و بیماری‌های جدی نظیر آسیب مغزی و ...، سوء استفاده جنسی یا فیزیکی و یا ترکیبی وجود داشته باشد. این عوامل همگی می‌توانند به رفتار، رشد مهارت‌ها و هیجانات، ارتباط و تعامل اجتماعی با همتایان و بزرگسالان، رشد شناختی، ادراکی و حتی یادگیری کودک تاثیر منفی گذارند. بسیاری از این کودکان به ویژه کودکان با ناتوانی یادگیری و یا کودکان اوتیستیک به کمک‌های بسیاری در این زمینه نیازمندند. هنردرمانگر با توجه به تمامی این مسائل وظیفه دارد تا در چارچوب فهم و درک اهمیت این مراحل رشدی و پیشرفت کودک در تمامی جنبه‌های رشد کار کند و از این طریق و با استفاده از برنامه‌های هنری گوناگون و متناسب با سن و سطح رشدی کودک به دنیای درون کودک، مسائل دلبستگی، میزان وابستگی، هیجانات، عواطف، تکانه‌ها و احساسات او پی برد و نیز سعی کند که مشکلات کودک را متناسب با هر سطح رشدی شناسائی کرده و برای حل آنها از آموزش هنر استفاده کند. نظریه پردازان روان تحلیل‌گرایانه‌ای چون فروید، کلین، آنافروید و وینی کات در این زمینه تلاش‌های بسیاری انجام داده‌اند. در زمینه کودکان و با استفاده از روانشناسی هنری می‌توان گفت که همچون بزرگسالان، هنر به عنوان راهی برای دست‌یابی به درون کودک است و هدف هنر درمانی در واقع به نوعی پالایش درون و هماهنگی آن با محیط بیرون است (کیس و دالی، ۲۰۰۶، ۶۹). کودکان بسیاری از ترس‌ها، مشکلات، اضطراب و حتی علائق و لذات خود را در قالب هنر بیان می‌کنند. در این زمینه هنرهای تجسمی چون نقاشی، خمیربازی و سفال و حتی طراحی می‌تواند مشکل‌گشا باشد. در کل فعالیت‌های برون‌فکنان می‌تواند مشکلات کودکان را در زمینه‌های گوناگون کاهش دهد (مک گولدریش؛ به نقل از کیس و دالی، ۲۰۰۸، ۵۴). برنامه‌های نقاشی می‌تواند درک یک کودک کم‌توان ذهنی نسبت به محیط اطراف، بدن خود، اطرافیان و حتی علائق‌اش را افزایش دهد. نکته دیگر در زمینه هنردرمانی کودکان این است که هنر در برنامه‌های درسی کودکان با اختلالات ذهنی و یادگیری انعطاف‌پذیری ایجاد کرده و از این طریق یادگیری آنها را تسهیل می‌کند (همان، ۲۱).

به عنوان نمونه، برنامه‌ای هنری چون سفال و نقاشی به تدریج ادراک فضائی کودکان نارسا خوان و حساب نارسا را تقویت کرده و همین مسأله خود موجب کاهش مشکلات خواندن و حساب در آنها می‌شود (آندریاس[۵]، ۲۰۰۵، ۷۵). در واقع هنرهای تجسمی چون نقاشی و سفال می‌تواند توانایی‌های ادراکی را افزایش داده و نیمکره راست را که مسئولیت این توانائی را به عهده دارد، فعال کند و خود فرآیند فعالسازی نیمکره مغز موجب تسهیل در یادگیری می‌شود. در ضمن پژوهش‌ها حاکی از آن است

[۴] Case & Dalley
[۵] Andreas

که هنر موجب تقویت اجزای شناختی نظیر توجه، تمرکز، ادراک شنیداری، بینایی و در کل تقویت مهارت‌های پردازش اطلاعات می‌شود (زایدل[۶]، ۲۰۰۶، ۳۹). کودکانی که به هنر درمانی روی می‌آورند با روش‌هایی آشنا می‌شوند که به آنها در درک بهتر از «خودشان» کمک می‌کند و آنها به طور هدفمندانه‌ای خود را درگیر وسیله‌ای هنری می‌کنند که می‌تواند باعث شکوفائی خلاقیت و پائین آوردن تقاضاهای «من برتر» شود که این موضوع در آنچه به نمایش در می‌آید متبلور می‌شود. هنر درمانگر برای ایجاد ارتباط مستقیم با مراجع و دستیابی به اهداف درمانی در طولانی مدت ابزارهای گوناگونی را مهیا می‌کند. اندازه و ماهیت ابزارهائی که به کار گرفته می‌شوند از عواملی هستند که می‌توانند بر حالات هیجانی بیمار و مکانیزم‌های او سازگاری و نیز انگیزه و اشتیاق او به کار هنری تاثیر بگذارند. استفاده از وسایل هنری نیازمند مهارت فنی خاص نیست. در هنردرمانی، وسایل و ابزار هنری که بیشترین کاربرد را دارند عبارتند از پاستل‌های روغنی، ماژیک و مداد رنگی در انواع مختلف، آبرنگ، رنگ‌های آکریلیک و طبیعی، خاک رس، گل سفال، خمیربازی، کاغذهای نازک، مقوای رنگی و تصاویر مجلات و کتاب‌ها (لاند، ۲۰۰۲، به نقل هاشمیان و ابوحمزه، ۱۳۹۷، ۵۱).

گرچه هنر به هر شکل (موسیقی، نقاشی، سفال و ...) که باشد با تفریح و تنوع همراه است ولی نقش آن تنها به سرگرمی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای آن چنان است که می‌تواند جنبه‌های آموزشی، پرورشی و درمانی را شامل گردد. ذهن و روان خسته از درگیری‌های روزانه کودک می‌تواند با تاثیرپذیری از یک کار هنری آرامش خود را بازیابد و هنر می‌تواند در قبال یکنواختی زندگی هیجانی و تنوع ایجاد کند. در کل هنر می‌تواند در ابعاد مختلف شخصیت انسان موثر بوده و رشد و تکامل انسان را یاری بخشد. ابعاد شخصیتی عبارتند از: بعد عاطفی، بعد روانی، بعد جسمی، بعد شناختی- ادراکی و هیجانی که هر اثر هنری می‌تواند کم و بیش به هر یک از ابعاد مذکور نقش داشته باشد گرچه ممکن است نقش یک اثر هنری در برخی جنبه‌ها بیشتر بوده و در جنبه‌های دیگر اثرات کمتری داشته باشد (ماندنی، ۱۳۸۴، ۳۶). از برنامه هنرهای تجسمی می‌توان برای از بین بردن مشکلات شناختی، هیجانی، عاطفی، ادراکی و حتی جسمانی کودکان با ناتوانی‌های خاص استفاده کرد. به همین منظور در برنامه درمانی کودکان با اختلالات رفتاری، اختلالات یادگیری، عقب ماندگی ذهنی و دیگر کودکان می‌توان برنامه‌های هنر درمانی را گنجاند و از مزایای آن بهره بسیار برد (به نیا، ۱۳۸۰، ۱۶).

**مسئولیت اجتماعی و هنر:**

از زمان شیوع بیماری همه‌گیر ویروس کرونا، بخش فرهنگ و هنر یک وضعیت متناقض را تجربه کرده است. در حالی که تقاضا برای محتوای فرهنگی و خلاقانه در طول دوره اعمال قرنطینه شدت یافته و دسترسی دیجیتال بیش از هر زمان دیگری حیاتی شده است؛ شاخص‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند که بخش فرهنگی یکی از مواردی است که بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته و احتمالاً یکی از کندترین دوره‌های بهبود را سپری خواهد کرد. بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ بحران جهانی بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است که مستلزم همکاری و تعهد همه عوامل، به‌ویژه بخش فرهنگ و هنر، برای مواجهه با عواقب ناشی از این همه‌گیری است. در این شرایط نامساعد، تعهدی که شرکت‌ها برای اهداف توسعه پایدار دارند، باعث شده است که آنها استراتژی مسئولیت اجتماعی خود را برای مبارزه با کووید ۱۹ گسترش دهند. در این شرایط هنر این امکان را می‌دهد که معنای انسان بودن، آزادی در بیان عقاید و نظرات را بررسی کنیم. ما همچنان همه‌گیری جهانی کووید ۱۹ را تجربه می‌کنیم. درگیر بی‌عدالتی نژادی هستیم که با مرگ جورج فلوید و اعتراضات اخیر در سراسر جهان مشهودتر شده است. لذا در مواقع بحران‌ها به انسانیت، آزادی بیان و جامعه‌ای نیاز داریم که هنرها آن را ایجاد می‌کنند. بحران کووید ۱۹ در سراسر جهان سبب شفافیت در سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شده است. مشاهده می‌شود که نابرابری نژادی سیستماتیک چگونه

[۶] Zaidel

افراد رنگین‌پوست را در طی همه‌گیری در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد. همچنین شاهد سیاسی شدن بیماری و تبدیل آن به یک بحران رو به رشد بهداشت روانی به عنوان واکنشی به همه‌گیری هستیم. در مبارزات انتخاباتی برای حمایت از هنر، کمیته تجارت کالورادو برای هنر اظهار داشت: «ارزش‌هایی که امروز از آنها پشتیبانی می‌کنیم، تعیین می‌کنند که در آینده چه چیزی داشته باشیم». هنر با کمک به انسان‌ها در پردازش زندگی فردی به آنها اجازه می‌دهد که دور هم جمع شوند، و در زندگی روزمره آنها سلامتی ایجاد می‌کند. هنر امکان برقراری ارتباط از دور، ایجاد حس مثبت، قدردانی و امید در طول بحران کووید ۱۹ را می‌دهد. در زمان بی‌عدالتی، بحران و ناآرامی‌های اجتماعی، هنر صداها و پیام‌های مهم را تقویت می‌کند (بشیری، ۱۴۰۰، ۲-۱).

**مفید بودن هنر برای سلامت عمومی:**

در حالی که از تماشای هنر و درگیر شدن با دیدگاه‌های مختلف از خانه لذت می‌برید، از اینکه سلامت هستید، لذت ببرید! هنر ابزاری اثبات‌شده برای کاهش استرس است. مطالعات بی‌شماری در مورد فواید جسمی و ذهنی ایجاد و حتی تماشای یک اثر هنری وجود دارد. هنر دارای تأثیرات بلندمدت مانند تقویت عملکرد مغز و سیستم ایمنی بدن و همچنین کمک مثبت به سلامت روحی و روانی است. به دلیل خلاقیت خانواده‌ها در خانه، هنر در طول بحران کووید ۱۹ باعث ارتقای سلامت در خانه شده است. همان‌طور که در طی این همه‌گیری بیشتر وقت خود را با خانواده می‌گذرانیم، هنر و صنایع دستی به سرعت مورد توجه قرار گرفته است (بشیری، ۱۴۰۰، ۴).

**هنر در بحران:**

شیوع کووید ۱۹ در این کشور ترس و اضطراب زیادی را در بین مردم ایجاد کرده است، بیماری که در آن تنها ۲ درصد از مبتلایان جان خود را از دست می‌دهند، اما اضطراب ناشی از کرونا باعث شده است مردم در خانه بمانند، جامعه هنری در بین قشرهای تأثیرگذار جامعه این توانایی را دارند که در این شرایط امید بیشتری را در بین مردم ایجاد کنند و می‌توانند با ایجاد یک اثر هنری از بحران بکاهند. بهترین گزینه در اولین قدم این است که افراد را حتی برای یک لحظه کوتاه از این موضوع منحرف کنند. این انحراف به معنی نادیده گرفتن این بیماری و عوارض جسمی، روانی و اجتماعی آن نیست. این فاصله گرفتن از افکار منفی در مورد آن است. به این ترتیب، توده‌ها یا خود مردم، بار روانی منفی آنها کاهش می‌یابد. گام بعدی ایجاد امید است. هنرمند چشم‌انداز روشنی را در برابر تماشاگران قرار می‌دهد. امروز فضای مجازی نقش بسیار ویژه‌ای را در زندگی افراد بازی می‌کند. در حال حاضر برخی فعالیت‌های هنری می‌توانند در این بخش به صورت زنده به مخاطبانشان عرضه شوند. البته در حال حاضر این تغییر سیستم و تغییر در نحوه عرضه به دولت محدود نمی‌شود، بلکه بخش خصوصی هم باید در این محیط پا بگذارد. برگزاری نمایشگاه‌های مجازی یکی از شیوه‌های حمایتی است که می‌تواند از سوی گالری‌های خصوصی صورت بگیرد. دولت هم می‌تواند با پرداخت هزینه‌های برخی فعالیت‌های هنری، آنها را بصورت پخش مستقیم از طریق رسانه سیما در مقابل دیدگان مخاطبان قرار دهد. به این شیوه هم از هنر و هنرمند حمایت شده و هم روحیه جمعی در سطح کشور بالا نگه داشته می‌شود. در ضمن با این وضعیت، هزینه‌ای که از سوی بخش دولتی در نظر گرفته می‌شود - این هزینه هر چقدر که بالا باشد - اهمیت چندانی ندارد. زیرا شرایط کشور حالت عادی ندارد و بیشتر حالتی خاص و شبیه به شرایط جنگی دارد (رضاخان، ۱۳۹۸، ۳).

**پیدایش و رشد:**

اینستاگرام زمانی که کوین سیستروم و مایک کرایگر روی پروژه چندمنظوره اچ‌تی‌ام‌ال۵ که Burbn نام داشت و در واقع مربوط به عکاسی با موبایل بود، فعالیت می کردند در سان فرانسیسکو گسترش یافت. مایک کرایگر باور داشت که پروژه Burbn شبیه به برنامه فوراسکوئر است با این تفاوت که ویژگی‌های بیشتری می‌تواند داشته باشد. سپس تمرکز پروژه Burbn برای اشتراک‌گذاری تصاویر ادامه یافت. واژه اینستاگرام ترکیبی از دو واژه Instant Camera و Telegram به معنی پیام‌رسانی فوری از راه عکس و دوربین است. نخستین نسخه اینستاگرام در اکتبر ۲۰۱۰ راه‌اندازی شد. این سرویس به سرعت محبوبیت کسب کرد و به بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر تا آوریل ۲۰۱۲ و ۳۰۰ میلیون کاربر تا دسامبر ۲۰۱۴ رسید. اینستاگرام از راه اپ استور اپل، گوگل پلی و فروشگاه ویندوز فون قابل دسترسی است. پشتیبانی این نرم‌افزار کاربردی برای آیفون، آی‌پد، آی‌پاد تاچ و گوشی‌های دارای سیستم‌عامل اندروید برقرار است. همچنین نرم‌افزار کاربردی شخص سوم اینستاگرام برای بلک‌بری ۱۰ و گوشی‌های سیمبیان نوکیا در دسترس است. بنابر ادعای شریل سندبرگ، عضو ارشد هیئت مدیره شرکت فیس‌بوک، بیش از ۲۵ میلیون شرکت اقتصادی در اینستاگرام صفحه مخصوص به خود را دارند که از این میان، ۲ میلیون اکانت متعلق به بازاریابان آنلاین است. در دهه ۲۰۱۰، اینستاگرام چهارمین نرم‌افزار پرهوادار موبایلی بوده‌است (بیاتیان، ۱۴۰۰، ۱۹).

**شبکه‌های اجتماعی:**

سایت‌های دوستیابی اولین شبکه‌های اجتماعی اینترنتی هستند. اولین سایت‌های دوستیابی زمانی شروع به کار کردند که استفاده از اینترنت تقریباً همه‌گیر شده بود. این سایت‌ها به کاربران امکان عضویت و برقراری تماس با دیگر اعضا را می‌دادند. سخنگاه‌های آنلاین هم نقش مهمی در پیشرفت و تکامل شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند (بشارتی، ۱۳۹۰)؛ اما مفهومی با عنوان شبکه‌های اجتماعی اینترنتی با قالب امروزی اولین بار در سال (۱۹۶۰) در دانشگاه ایلی نویز در ایالت متحده آمریکا مطرح شد. بعد از آن اولین شبکه اجتماعی اینترنتی مدرن در سال (۱۹۹۷) به نام شش درجه راه اندازی شد. این سایت به کاربران امکان عضویت و آشنایی با دیگر اعضا را می‌داد. در این سایت ابتدا کاربران امکان ایجاد پروفایل برای خود داشتند که بعد از مدتی امکان ایجاد لیست دوستان هم به آن اضافه شد (افتاده، ۱۳۹۰). البته قبل از این سایت هم سایت‌هایی مثل ملاقات و انجمن-هاوجود داشتند که امکان ایجاد پروفایل یا امکان ارتباط با دوستان، شبکه «همکلاسی‌ها» را به کاربران می‌دادند؛ اما تنها سایتی که این دو ویژگی را با هم داشت، «شش درجه» بود. بنابراین به عنوان اولین شبکه اجتماعی شناخته شد. این سایت با ارتقای امکانات خود، کاربران زیادی را جذب کرد و کم‌کم در حال تبدیل شدن به یک ابزار تجارت بود، اما در سال (۲۰۰۰) و بعد از ۳ سال فعالیت، مسدود شد (در سال ۲۰۰۰ فروخته شد و در سال ۲۰۰۱ تعطیل شد). مهم‌ترین علت آن استفاده نادرست کاربرانش بود که موجب چندین شکایت از سایت شد (اکبری، ۱۳۹۰، ۲).

از سال (۱۹۹۷) تا (۲۰۰۱) شبکه‌های اجتماعی مختلفی با امکانات و ویژگی‌های متفاوت از دیگری ساخته شد. مثل خیابان آسیایی، سیاره سیاه و MiGenete. این‌ها به کاربران امکان عضویت و اضافه کردن لیست دوستان را (بدون دریافت تاییدیه برای اضافه کردن دوست) می‌دادند. کاربران می‌توانستند از سه نوع کاربری حرفه‌ای، شخصی و دوستیابی استفاده کنند. این سایت‌ها هیچ گونه خلاقیتی نداشتند، اما جزو اولین شبکه های اجتماعی هستند (بشارتی، ۱۳۹۰، ۱۵).

**ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی:**

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی عبارتند از (آذربخش، ۱۳۹۱، ۹۹):

۱. دسترسی و وسعت؛
۲. کم هزینه بودن؛
۳. چند رسانه‌ای بودن؛

٤. جمع‌گرایی و شبکه‌سازی انسانی؛
٥. تعامل‌گرایی؛
٦. بهره‌گیری بدون نیاز به مهارت و تخصص؛
۷. ارتباط فوری؛
۸. پیوستگی و مداومت.

**فضای سایبرنتیک (مجازی):**

اینترنت یک سیستم شبکه گسترده متصل به رایانه است که در سطح جهان برای دسترسی و انتقال اطلاعات اعم از کاربران رایانه شخصی یا تجاری استفاده می‌شود. همچنین برای ارتباطات، تحقیقات، سرگرمی، آموزش و معاملات تجاری استفاده می‌شود (کروت و همکاران، ۱۹۹۸، ۱۰۲۱). امروزه اینترنت می‌تواند تمام رایانه‌های آنلاین را بهم پیوند دهد تا افراد بتوانند از آن برای برقراری ارتباط در سراسر جهان استفاده کنند (اسنایدر و همکاران ، ۲۰۰۶، ۱۴). فضای سایبرنتیک کلیتی ارتباطی در میان انسان‌ها با یکدیگر در بر دارد، فضایی که از طریق کامپیوتر و تنکنولوژی ارتباطات راه دور فارغ از محیط مادی (اقلیمی و جغرافیایی آنان) به وجود می‌آید. این فضا، دنیایی از سیستم‌های اطلاعاتی دوتایی است که بیرون از فضای سه بعدی قرار دارد. این جهان، جهانی است که از نظر مادی غیرحاضر است و ما آن را از طریق ماشین‌های الکترونیکی تجربه می-کنیم (حسن‌زاده، ۱۳۹۶، ۲۳۳). به واقع انسان‌شناسان، معتقدند که اکنون برخلاف تعریف متعارف از قوم‌نگاری که به بررسی فضاهای سه بعدی با تاکید بر زمان و مکان می‌پردازد، ما باید بعد چهارمی را نیز مورد مطالعه قرار دهیم، که متاثر از زمان اما فارغ از مکان است. از این نگاه فضای بعد چهارم، در گستره‌ای مجازی قرار دارد، که در آن رابطه‌های محلی و جهانی بازترسیم می‌شوند (بسدا، ۲۰۱۲، ۲۵۹). از این نگاه امر مجازی، خود امری تقریباً واقعی است، چرا که امر مجازی می‌تواند تاثیری واقعی را به دنبال داشته باشد. این نویسنده، برای درک این معنا از امر و فضای مجازی از ایده غار افلاطون استفاده می‌کند و در آن بر تصاویر و سایه‌هایی که از واقعیت حکایت می‌دارند، اشاره می‌نماید. در حالی که این ارتباط بدون تکنولوژی ممکن نیست، برخلاف عامل مکان، عامل زمان کماکان عنصری مهم در ایجاد ارتباط تلقی می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۶، ۲۳۵). به طور کلی، دو دیدِ انسان شناختی می‌توان به اینترنت داشت:

نگاه اول: نگاهی که انسان‌شناسانی چون هوارد رهینگلود دارند و در آن اینترنت مکانی را بازنمایی می‌کند، جایی که فرهنگ در آن شکل یافته و یا شکل آن بازتعریف می‌شود؛

نگاه دوم: انسان‌شناسانی چون ولگارد آن را به منظور درک اینترنت می‌گشایند، در این نگاه اینترنت، محصول فرهنگ است (بسدا، ۲۰۱۲، ۲۶۱).

از طریق اینترنت، کامپیوترها در سراسر جهان با استفاده از یک پروتکل استاندارد به یکدیگر متصل می‌شوند. جرم اینترنتی می‌تواند هر زمان که هر پروتکل مورد استفاده به خطر بیفتد رخ دهد. حملات سایبری مختلف به دلیل یک یا ترکیبی از موارد زیر امکان‌پذیر است: مهندسی اجتماعی، دستکاری پارامترها، نرم‌افزارهای مخرب، داروسازی، تزریق SQL، کلاهبرداری، فیشینگ، گذرواژه ضعیف، حذف وب سایت، استفاده از نرم‌افزار بدون ربات، سندیکاهای جرایم سازمان یافته قطع ارتباط فیزیکی و نقض امنیت داخلی در میان دیگران. در میان فعالیت‌های جنایی که در اینترنت انجام می‌شود، درصد بیشتری به جوانان می‌رسد. جامعه‌ای که نیاز به دست‌یابی به موفقیت را به میزان قابل توجهی پیش‌بینی کند که درگیر شدن جوانان در جرم اینترنتی است، باید حداقل جهت تضمین موجودیت خود، جهت‌گیری مجدد ارزشی را انجام دهد. هم‌چنین قابل ذکر

است که موضوع مورد مطالعه در مورد فضای مجازی و نظام‌های نمادین معنا در آن، «فرهنگ مجازی» است که می‌باید مورد بررسی قرار گیرد، چرا که این فضا به شدت متاثر از متافور (استعاره) است، خود آن را خلق کرده و خود به وسیله آن خلق می‌شود. از سوی دیگر پیر لوی معتقد است که فضای مجازی امکانی برای آزادی فراهم نموده است. فضای مجازی یک ساخت فرهنگی را به وجود می‌آورد که تاثیری عمیق بر فرهنگ انسانی، تعاملات انسانی و ساختارهای جهان نمادین دارد. تعامل در فضای مجازی معنایی متفاوت از تعامل در فضای واقعی دارد، بر این اساس، نیازی نیست که فرد به منظور برهم‌کنش و تعامل در فضای مجازی، در یک زمان و لحظه خاص حضور داشته باشد. از این رو می‌توان فضای مجازی را یک شبه مکان یا مکان ساختگی تعریف کرد. این محقق ویژگی‌هایی را برای فضای یاد شده بر می‌شمرد، از جمله تبادل محدود اطلاعات و آگاهی‌ها، دسترسی احساسی محدود و عدم کارکرد همزمان احساس‌هایی چون دیدن، چشیدن و بوییدن. شاید به این دلیل است که برای یک فرد، تعاریف اخلاقی در داخل و بیرون فضای مجازی متفاوت خواهد بود، اما تفاوت‌هایی عمده میان برهم‌کنش و تعامل که خصیصه و زیر ساخت اخلاقی دارد، در فضای واقعی (حوزه و فضای عمومی) و فضای مجازی وجود دارد (بسدا، ۲۰۱۲، ۲۶۲).

**سهولت ارتباطات:**

سهولت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، میزان کاربرد آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و افزایش این میزان را باید با افزایش قصد رفتاری برای استفاده از شبکه‌های مجازی همراه دانست. بر اساس نظریه اتکینسون نیاز به پیشرفت یک ویژگی نسبتاً دائمی برای رسیدن به موفقت است. بر اساس این نظریه با افزایش نیاز به پیشرفت، میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز افزایش می‌یابد و بر اساس نظریه دیگران مهم، ارزش‌های دوستان، آشنایان و خانواده با توجه به مطلوبیت آنها برای افراد، یک ملاک در نظر گرفته می‌شود و افراد سعی می‌کنند ارزش‌های خود را با آن‌ها تطبیق دهند؛ بنابراین اگر بین اطرافیان دانش‌آموزان، استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یک ارزش مهم باشد، گرایش آنها به این شبکه‌ها بیشتر خواهد شد. انتظار تلاش به عنوان درجه‌ای از سهولت تعریف شده که با کاربرد سیستم همراه است؛ چرا که سهولت استفاده از فضای اینترنتی، میزان کاربرد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و افزایش این میزان را باید با افزایش قصد رفتاری برای استفاده از شبکه‌های مجازی همراه دانست. همچنین در این رابطه، میزان تجربه فرد نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد. کاربران باتجربه‌تر، کمتر تحت تأثیر سهولت استفاده قرار می‌گیرند و سن نیز می‌تواند دیدگاه کاربران را درباره وضوح، قابلیت درک‌پذیری، انعطاف و سهولت استفاده فناوری هدف، تحت تأثیر قرار دهد (ویلز و همکاران[۷]، ۲۰۰۸، ۲۹۸).

از سویی دیگر، هرچه سادگی کار با شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، گرایش افراد به این نوع شبکه‌ها بیشتر خواهد شد. بر اساس نظریه انتظار تلاش، شرایط تسهیل‌گر در صورت بروز انتظار تلاش نمود می‌یابد. در واقع سهولت استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر روی کاربرد این شبکه‌ها تأثیرگذار است و افزایش کاربرد این شبکه‌ها با افزایش قصد رفتاری برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی همراه است و نیز یافته‌ها حاکی از آن است که رابطه معناداری بین میزان استفاده اطرافیان و گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد؛ هر چه میزان استفاده افراد خانواده و دوستان از شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش یابد، گرایش جوانان و نوجوانان نیز نسبت به این شبکه‌ها بیشتر خواهد شد (کریمیان و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۷۲). نگاه تک بعدی به هر وسیله و دستاورد بشری، چه مثبت باشد و چه منفی، باعث دوری انسان از حقیقت آن موضوع می‌شود و موضوع اینترنت و فضای مجازی از این امر مستثنی نیست. زمانی که اینترنت و دیگر ابزارهای نوین ارتباطی، تولید و مورد استفاده قرار گرفتند بسیاری از افراد بر این باور بودند که سهولت در برقراری ارتباطات بزرگترین دستاورد برای بشر می‌باشد، اما حقیقت آن

[۷] Wills et al

است که فناوری‌های نوین ارتباطی در کنار خدماتی که برای سهولت ارتباطات انسانی داشته‌اند، آسیب‌های بسیاری را نیز به جامعه بشری تحمیل نموده‌اند. اطلاع یافتن کاربران از آسیب‌های اجتماعی و تهدیدات فضای مجازی می‌تواند در پیشگیری از پیامدها و کاهش اثرات مخرب این فضا بسیار موثر باشد. پیامدهایی مانند دور کردن افراد خانواده از یکدیگر، ایجاد اعتیاد روانی، به خطر افتادن امنیت شخصی، طلاق عاطفی، ایجاد روابط خارج از چارچوب خانواده، بلوغ زودرس، کاهش روابط و تعاملات اجتماعی از جمله اثرات مستقیم و غیرمستقیم فضای مجازی شمرده می‌شوند (امانی‌کلاریجانی، ۱۳۹۶، ۹۳). صاحب‌نظران و پژوهشگران علوم انسانی معتقدند که ورود اینترنت به فضای زندگی انسان‌ها در کنار مزایا و محاسن غیرقابل کتمان، باعث به وجود آمدن یکسری دغدغه‌ها و نگرانی‌ها شده و روابط افراد را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. حجم بالای اطلاعات و برنامه، سرعت، جذابیت و تنوع دامنه انتشار و... از جمله ویژگی‌های فضاهای مجازی است که در صورت عدم استفاده صحیح می‌تواند تهدیدی برای جوانان باشد. کارشناسان معتقدند استفاده از اینترنت در صورت بهره‌برداری درست اطلاعات یا برای انجام کارهای روزمره، دریافت خدمات آموزشی، بانکی، ثبت نام و... با داشتن مدیریت مناسب می‌تواند مفید باشد چرا که پیشرفت تکنولوژی امری اجتناب‌ناپذیر است، اما این تکنولوژی زمانی مشکل‌ساز و دردسرآفرین می‌شود که مورد استفاده نادرست قرار گیرد. آسیب‌شناسان از وضعیت فعلی استفاده از فضای مجازی ابراز نگرانی کرده‌اند و معتقدند تغییرات تکنولوژیکی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده و بروز آسیب‌های نوپدید در این زمینه می‌تواند زمینه ساز آسیب های اجتماعی، فرهنگی و روانی باشد به همین دلیل برنامه‌ریزی برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های فضای مجازی ضروری است. کاهش احساسات و عواطف، بروز دوستی‌ها و عشق‌های مجازی، سوء استفاده از دختران و پسران، فرار از خانه، کلاهبرداری اینترنتی، ازدواج‌های دروغین، سرقت اطلاعات، خیانت زوجین و از هم گسیختگی و فروپاشی خانواده‌ها از جمله مواردی است که ممکن است جوانان و خانواده را در صورت عدم مدیریت درست، گرفتار کند. با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت در اختیار جوانان می‌گذارند، آنان با محرک‌های جدید و انواع مختلف رفتار آشنا می‌شوند (امانی‌کلاریجانی، ۱۳۹۶، ۹۵).

## پیشینه تحقیق:

فاطمه شاهرودی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «پیامدهای بحران بیماری کرونا در هنر معاصر ایران با تکیه بر حوزه‌های هنری نقاشی، مجسمه‌سازی، سینما و تئاتر» بیان نمود این مقاله با هدف بررسی تاثیر بیماری کرونا بر هنر معاصر ایران در هنرهای نقاشی، مجسمه‌سازی، تئاتر و سینما با نظری بر رویکردهای بازتاب و شکل‌دهی در حوزه جامعه‌شناسی هنر انجام شده است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی استفاده شده و اطلاعات به روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. در این راستا کشور ایران به عنوان قلمرو مکانی در نظر گرفته شده و تمرکز مطالعه بر فعالیت‌های هنری در تهران و در محدوده زمانی اسفند ۹۸ تا شهریور ۹۹ است. همچنین از ابزارهای پژوهش همچون مشاهده، مصاحبه و گزارش از خبرگان، هنرمندان و کارشناسان فعال، مراکز هنری اصلی و تاثیرگذار بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان داد یکی از پیامدهای مثبت بحران کرونا توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود در اینترنت و شبکه‌های مجازی در جهت عرضه و فروش آثار هنری، آموزش، برگزاری مسابقات و همایش‌ها و سایر حیطه‌های مربوط به هنر است که کمتر مورد توجه قرار گرفته یا آزموده شده بود. پیشتر، این تصور که ذات و ماهیت هنر، حضور فیزیکی افراد در اکثر فعالیت‌ها را طلب می‌کند امری پذیرفته شده بود، اما در دوره قرنطینه برای جلوگیری از توقف یا کند شدن فعالیت‌های هنری اقداماتی چون نمایش و فروش مجازی آثار بصری، نمایش آنلاین، اکران آنلاین، سینما ماشین، لایواینستاگرام و آموزش مجازی هنر به مرحله اجرا رسید که نشان از بازتاب شرایط خاص جامعه در هنر دارد. اگرچه موارد فوق نمی‌تواند در همه زمینه‌ها جایگزین شیوه‌های حضوری و معمول گذشته شود، اما اجرای

آنها در دوره پسا کرونا در کنار شیوه‌های پیشین باعث جذب بیشتر مخاطب و بهره‌وری بیشتر اقتصادی در هنر خواهد شد. از سوی دیگر تولید آثار هنری، برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها و مسابقات هنری با موضوع کرونا راهی برای همدلی، هم‌فکری، هشدار و مشارکت افراد جامعه برای حل یک مشکل ملی و جهانی بوده که بر رویکرد شکل‌دهی هنر صحه‌ای دوباره می‌نهد.

شهین شرفی، علیرضا منظری‌توکلی و سنجر سلاجقه (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین عوامل مرتبط، با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی» بیان نمودند شبکه‌های اجتماعی مجازی و فضای سایبری همانند شمشیر دو لبه‌اند. فواید و مضراتی را به همراه دارند. فواید آن نمی‌تواند مانع از چشم پوشیدن از مضراتش که بسیار خطرناک بوده و ناشی از عدم توجه به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه‌اند، شود. این پژوهش به منظور بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی در ایران صورت گرفته است. پژوهش از نوع توصیفی و از نظر هدف، توسعه‌ای- کاربردی است. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه محقق ساخته عوامل مرتبط مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان اجرای خط مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده گردید. روایی پرسشنامه‌ها بر اساس نظر اساتید و خبرگان مورد تایید قرار گرفت و همچنین پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ تایید شد. جامعه آماری این پژوهش دو دسته‌اند: دسته اول شامل خبرگان که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی از نوع هدفمند انتخاب شدند. دسته دوم کارشناسان و محققان فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی و رسانه و مسائل اجتماعی بودندکه از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد میان مولفه‌های عوامل مرتبط (فنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، عوامل ناشی از خط مشی‌گذاری، عوامل ساختاری) با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه معنی‌دار (از نوع مستقیم) وجود دارد و رابطه میان عوامل فنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از شدت بیشتری برخوردار است و بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی و بین مولفه‌های عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه-های اجتماعی مجازی رابطه معنی‌دار (از نوع مستقیم) وجود دارد.

**معرفی هنرمند مورد مطالعه؛ بهزاد شیشه‌گران:**

بهزاد شیشه گران متولد ۱۳۳۱ و برنده اولین بینال نقاشان ایران در سال ۱۳۷۰ است، در سال‌های اخیر حضور بسیار پررنگی در عرصه گرافیک ایران داشته و ۲۵ مجموعه نقاشی، طراحی و گرافیک در ۲۶ نمایش انفرادی و ۱۷۰ نمایش گروهی ارائه داده است. در خانواده ای پرجمعیت و از پدر و مادری که هر دو از نعمت خواندن محروم بودند، متولد شد. اگر برخی از خواهرها و برادرانش در کودکی فوت نمی‌کردند، با پدر و مادرشان دوازده نفر می‌شدند. از آن همه اکنون دو خواهر و سه برادر باقی مانده است. پدر بهزاد، مردی دقیق، با دستانی ماهر، ذهنی خلاق و کنجکاو بود، به طوری که از جوانی علاقه‌مند به کارهای فنی می‌شود و این مربوط به سال‌هایی است که ابزار و وسایل مکانیکی و سپس برقی، رفته رفته وارد خانه‌های مردم می‌شد. گرامافون، چراغ زنبوری، تفنگ شکاری، چرخ خیاطی، چرخ شیر (وسیله‌ای برای جدا کردن خامه از شیر)، چرخ گوشت، ... این‌ها وسایلی است که خیلی زود جزیی جدایی‌ناپذیر و لازم در زندگی مردم به حساب آمد و او، بی آن که آموزش ببیند، خیلی زود با عملکرد آنها آشنا می‌شد و در صورت خرابی، به راحتی عیبشان را برطرف می‌کرد. بهزاد به سن مدرسه که رسید، او را در دبستان «داریوش» ثبت‌نام کردند. سال‌های دبستان آغاز دور شدن از خانه و خانواده، تجربهٔ کسب استقلال و یافتن هویت‌های تازه است. درس، مشق، کتاب، کاغذ، قلم و رنگ، مدادهای رنگی، تصاویر کودکانهٔ کتاب. اولین طرح‌ها و نقش‌ها و تشویق‌هایی که نه به خاطر درس، بلکه برای نقاشی نثار می‌شود. نقاشی هویت تازه‌ای است، به خصوص در مدرسه که ضعف‌های دیگر درس‌ها را جبران می‌کند. به سال‌های آخر دبستان که رسید، کورش (برادر بزرگ‌تر) برای تحصیل در رشتهٔ نقاشی وارد هنرستان شد. تلاش و پیگیری‌های شبانه روزی کورش، کار مداوم در خانه، کاغذ، زغال، رنگ روغن، بوم، قلم مو، بوی تربانتین، قلم، مرکب، ...

این‌ها مناظر تازه‌ای برای بهزاد است تا با کنجکاوی و علاقه نظاره کند. کودکی، بازی است. همه چیز، بازی است. زندگی، بازی است و نقاشی، بازی بسیار مورد علاقه‌اش می‌شود و خوشنویسی و موسیقی. سیکل اول دبیرستان را در مدرسه «شیخ الرئیس» در خیابان نواب ثبت‌نام می‌کند. درس‌ها سخت‌تر می‌شوند. سیکل اول دبیرستان که به پایان رسید، تکلیف او هم برای ادامه درس روشن بود. به هنرستان می‌رفت. منتها بیشتر علاقه به تحصیل در رشتهٔ موسیقی داشت؛ اما وقتی برای ثبت‌نام مراجعه کرد، با محدودیت سنی مواجه شد. هنرستان موسیقی، دانش‌آموزان را بعد از پایان تحصیل در دبستان می‌پذیرفت (و می‌پذیرد). پس در رشتهٔ نقاشی امتحان داد و پذیرفته شد. محمدابراهیم جعفری، علی قهاری، فرشچیان، مهرگان، عالیوندی، شهلاپور، جابر عناصری و خانم‌هاشمی از جمله معلم‌های او بودند. بعد از سربازی در «انجمن سینمای جوان» دو سالی را به تحصیل کارگردانی سینما پرداخت و سرانجام با تصمیم به ادامهٔ تحصیل، در رشتهٔ گرافیک دانشکده هنرهای تزئینی پذیرفته شد (۱۳۵۷). ورود او به دانشگاه، همزمان با اوج گیری تب انقلاب بود و این تب، بهزاد را خیلی درگیر کرد. شیشه‌گران از یکی دو سال قبل‌تر (۱۳۵۵)، با ایدهٔ حذف سفارش دهندهٔ پوستر، به تولید پوسترهایی با مضامین اجتماعی یا سیاسی پرداخت که با تکثیر آنها و سپس نصب بر دیوار پیاده‌روها یا ارسال پستی برای افراد، سازمان‌ها، سفارتخانه‌ها و حتا نهادهایی در خارج از کشور، تلاش کرد به نوعی هنر و پیام‌رسانی از این طریق را وارد زندگی مردم کند. از جمله «خیابان شاهرضا هنر است» (۱۳۵۵) و «به خاطر صلح در لبنان» (۱۳۵۵). دومین اثر از سوی «سازمان ملل متحد» مورد تقدیر قرار گرفت. دوران تحصیل بهزاد شیشه‌گران در دانشگاه خیلی به درازا کشید (۱۳۵۷-۱۳۶۶). ولی این ایام با کمترین حضور در دانشکده سپری شد (موریزی‌نژاد، ۱۳۸۹، ۳).

**روش پژوهش:**

در این تحقیق ابتدا با روش توصیفی مفاهیم و نظریات مربوط به اندیشه‌های نشانه شناسی و سیر زایشی معنا مطرح شده، سپس با رویکردی تحلیلی میان نظریات و آثار هنری مورد بحث در زمان کرونا (بهزاد شیشه گران در حوزه نقاشی) ارتباط برقرار کرده تا با کمک آن‌ها به خوانش متن بپردازد. بر این اساس، آثار منتخب هنرمند در حوزه نقاشی که با موضوع ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹، خلق شده‌اند، با استفاده از نظریه بازنمایی/ همنشینی- جانشینی بر اساس نظریه سوسور مورد بررسی قرار داده است.

**جامعه‌ی آماری:**

به دلیل اینکه بحران همه‌گیری کرونا، مشکلات زیادی برای هنرمندان در عرصه هنر را ایجاد کرده است، بر این اساس، جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل آثار هنرمندان فعال در حوزه نقاشی که با موضوع ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹، خلق شده‌اند، بود.

**نمونه و روش نمونه‌گیری:**

در غالب تحقیقات، محقق علاقه‌مند است نمونه تحقیق خود را به طریقی انتخاب کند که مطمئن شود زیرمجموعه‌ها به عنوان نماینده‌ی جامعه با همان نسبتی که در جامعه وجود دارند، در نمونه نیز وجود داشته باشند (دلاور، ۱۳۹۶، ۵۶).

بر این اساس، برای نمونه تحقیق حاضر، آثاری که بیشترین بازدید را در صفحات اینستاگرام هنرمندان داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. لذا آثار منتخب هنرمند در حوزه نقاشی که با موضوع ویروس کرونا و بیماری کووید-۱۹، خلق شده‌اند مورد تحلیل نشانه‌شناسی همنشینی- جانشینی قرار گرفتند. لذا در تحقیق حاضر، نمونه آماری شامل آثار هنرمندان ایرانی بهزاد شیشه‌گران (در حوزه نقاشی) در شش ماهه نخست بحران کرونا در سال ۱۳۹۹ پرداخته‌اند، است.

**ابزار گردآوری داده‌ها:**

برای پیشبرد تحقیق و دسترسی به اطلاعات لازم، صفحات اینستاگرام هنرمندان مورد نظر به شیوه تبیینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن این نکته که به منظور کاهش شیوع ویروس کرونا، اغلب گالری‌ها به ویژه در موج اول شیوع این ویروس در کشور، تعطیل بودند، بسیاری از هنرمندان آثارشان را از طریق انتشار در صقحات شخصی‌شان در شبکه اجتماعی اینستاگرام یا به واسطه نمایشگاه‌های آنلاین از سوی برخی از گالری‌ها، به نمایش عمومی گذاشتند. به همین منظور به نظر می‌رسد که صفحات شخصی هنرمندان معتبرترین منبع برای دسترسی به آثار هنرمندان در ایام شیوع ویروسی کرونا است.

بر همین اساس، در این پژوهش، محقق به بررسی آثار هنرمند ایرانی بهزاد شیشه‌گران (در حوزه نقاشی) در شش ماهه نخست بحران کرونا پرداخته است. هنرمند بر اساس تعداد فالوور (دنبال کننده‌ها) و لایک‌ها (پسندها) در صفحات اینستاگرامشان انتخاب شده‌اند و تصاویر و آثار هنری مورد بررسی قرار گرفتند.

**تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش:**

اولین کسی که از نشانه‌ها حرف زد، سوسور بود، فردینان دو سوسور (زاده: ۲۶ نوامبر ۱۸۵۷- در گذشته: ۲۲ فوریه ۱۹۱۳) زبان‌شناس سوئیسی، در شهر ژنو زاده شد. از دیدگاه سوسور، ارجاع به اشیای موجود در جهان خارج در نظام زبان و فرایند دلالت جایگاهی ندارد و در این الگو مدلول برابر با مصداقی مادی در جهان خارج نیست، بلکه مفهومی ذهنی است. در چنین نظام زبانی‌ای، نشانه‌ها به مفاهیم دلالت می‌کنند و نه به چیزها و زمانی که درباره چیزها صحبت می‌کنیم، در سطح مقوله‌های مفهومی آن «چیزها» با هم ارتباط برقرار می‌کنیم. بنابراین، در دیدگاه سوسور نشانه به طور کلی «غیرمادی» است. سوسور نشانه‌ها را بر اساس نوعی ماهیت «جوهری» یا ذاتی تعریف نمی‌کند. به عقیده او نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. در درون نظام زبان «همه چیز وابسته به روابط است». هیچ نشانه‌ای قائم به خود معنا نمی‌یابد، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه آن با نشانه‌های دیگر است. هم دال و هم مدلول مفاهیمی تقابلی و مبتنی بر جایگاه و رابطه‌شان با دیگر اجزای نظام هستند. نشانه زبانی رابطه بین یک شیء و یک نام نیست، بلکه رابطه‌ای است بین یک مفهوم و یک الگوی صوتی. الگوی صوتی به واقع از نوع صوت نیست؛ چرا که صوت مادی (فیزیکی) است در حالی که الگوی صوتی، پنداشت (impression) روانشناختی شنونده از صوت است آن‌گونه که از طریق حواس دریافت می‌کند. الگوی صوتی را تنها از آن جهت می توان «مادی» تلقی کرد که بازنمود دریافت‌های حسی ما هستند. بدین ترتیب، الگوی صوتی را می‌توان از «مفهوم»، بازشناخت. مفهوم نسبت به الگوی صوتی از نوع انتزاعی‌تر است (سوسور، ۱۳۷۸، ۶۶). سعی شده است آثار منتخب را از جنبهٔ بیان اکسپرسیونیستی و بهره‌گیری از نشانه‌های موجود با رویکرد سیر زایشی معنا مورد بررسی قرار دهد و به چگونگی تولید و ظاهر شدن معنا در گفتمان بپردازد.

**بررسی و تحلیل آثار منتخب هنرمند:**

سعی شده است آثار منتخب را از جنبهٔ بیان اکسپرسیونیستی و بهره‌گیری از نشانه‌های موجود با رویکرد سیر زایشی معنا مورد بررسی قرار دهد و به چگونگی تولید و ظاهر شدن معنا در گفتمان بپردازد.

**آثار هنری بهزاد شیشه‌گران:**

به نظر سوسور، نشانه‌شناسی علم پژوهش دلالت‌های معنایی است. سوسور می‌گوید: نشانه‌شناسی معلوم خواهد کرد که نشانه‌ها از چه چیز ساخته می‌شوند و قوانین حاکم بر آن‌ها کدام است. بهزاد شیشه‌گران در دوران کرونا نمایشگاه‌های مجازی زیادی در فضای مجازی برپا کرد. ترس، نگرانی اجتماعی نسبت به ویروسی ناشناخته و تاکید بر استفاده از ماسک، مضامین عمده کارهای او در نمایشگاه‌های مجازی بود. این هنرمند در مورد نمایشگاه مجازی کرونا پرتره که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته می‌گوید: پدیده‌ای که چهره جهان را دگرگون کرد؛ یعنی چهره انسان با چشمانی نگران و مضطرب، در پوششی از

ماسک قرار گرفت و همین تغییر در چهره جهان سوژه کار من شد. اما با یک نگاه نزدیک به آبستراکت، یعنی هنر تجریدی. هنر آبسترِ[۸] از زبان بصریِ شکل، فرم، رنگ و خط برای خلق ترکیبی استفاده می‌کند که از دیگر رفرنس‌های بصری در جهان مستقل است. هنر آبستره هم‌چنان مفهومی گنگ محسوب می‌شود.

نقاشی آبستره یا انتزاعی به‌عنوان یکی از خالص‌ترین شیوه‌های بیان احساسات توصیف می‌شود، زیرا این سبک خالق خود را برای ارتباط آزادانه از طریق چشم، بدون محدودیت در شیوه‌های یافت شده در واقعیت عینی، دنبال می‌کند. این نقاش پیشکسوت در خصوص ویژگی‌های آثارش در این مجموعه می‌گوید: مجموعه آثار «کرونا پرتره» همگی دارای یک مضمون واحد و برگرفته از واقعیتند. در رابطه با شیوه اجرای کار، آثارم ابتدا به‌صورت دستی طراحی و نقاشی شدند و سپس در کامپیوتر به سرانجام نهایی رسیدند. هر روز یک اثر ساعت چهار عصر در شبکه‌های اجتماعی به نمایش درآمد. چون کرونا موضوعی جهانی بود من نیز پیام آثارم را سعی کردم با نگاهی غیربومی و از طریق شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، فیس‌بوک و تلگرام مطرح کنم. شیشه‌گران هم‌چنین در روزهایی که آمار ابتلا به کرونا به شدت افزایش یافت و هر روز جان بسیاری از هموطنانمان را می‌گرفت، با طراحی عکس پرتره‌هایی از خودش و در واقع با زبان هنر به پویش «#من_ماسک_می‌زنم» پیوست.



**تصویر ۱: ماسک**

چهره‌های نیمه پوشیده با چشمانی گاه ترسیده، گاه مضطرب و گاه هم متعجب؛ درست همانند چهره‌های ماسک زده‌ای که این روزها اغلب در خیابان‌ها می‌بینیم. صورت‌هایی که چشمهایشان هزاران هزار حرف برای گفتن دارند. این چهره‌ها و حرف‌های ناگفته‌شان مهم‌ترین ویژگی نمایشگاه نقاشی بهزاد شیشه‌گران است که در این روزهای کرونایی به صورت آنلاین و در شبکه‌های اجتماعی برگزار شد.

تصویر شماره ۱، همنشینی چشم‌ها که از پناه نقاب سر بر آورده‌اند، چشم‌هایی مبهوت و غمزده، خیره به دورهای ندیدنی‌اند. انگار در جست‌وجوی دم مسیحایی باشند. شاید. چشم‌هایی که در حصار رنگ‌های سیاه گرداگرد چهره، اسیر مانده‌اند. انگار این معنا را می‌دهد که در آن سوی نقاب کورسویی از امید است. شاید. در کرونا پرتره‌های بعد، چشم‌ها، رمیده، گم می‌شوند و شخصیت نخست قهرمان یا ضدقهرمان بهزاد شیشه‌گران، یعنی نقاب، می‌رود تا همه عرصه را تسخیر کند. چیزی به اضمحلال و فروپاشی آدم‌ها نمانده است.

---

[۸] Abstract art



**تصویر ۲: کابوس در پس نقاب‌ها**

همنشینی خط و خطوط ماسک درهم که گویی حروفی بر آن نقشه بسته است و بر روی صورت انسان کشیده شده است، این مفهوم را می‌رساند که در فضایی که پر است از ورجه و ورجه رفتن آدم‌ها با خود و با دیگران با همه خاله‌زنک بازی‌ها با همه انبوه خبرهای «فِیک»، پوسترهای این نمایشگاه که آن هم، در همان فضاهای مجازی رفته‌اند، خود تابلوینند. تابلوهایی که در همان نگاه اول خبرتان می‌کند که می‌خواهند به کجاها بکشانندتان. همان نقاب است که بر بالایش دو چشم هراسیده و وحشت‌زده از اضطراب و دلنگرانی‌های آدم‌هایشان می‌گویند. واژه‌ها و کلام و خبر را از کنار تابلو بردارید، یک تابلوی هنری، عیان می‌شود و خودنمایی می‌کند.



**تصویر ۳: نقاب**

پرتره کروناهای بهزاد شیشه‌گران، هر روز یکی در فضای مجازی آمدند. تابلوهایی که انگار تنه به دنیای کابوس‌گون فراواقعیت‌ها می‌زنند. به دنیای اشباح و ارواح سوپررئالیست‌ها، هایپررئالیست‌ها، گریزی می‌زنند و بعد در جوار دنیای اکسپرسیونیسم فیگوراتیو، خانه می‌کنند.

همنشینی فرم‌های مختلف رسم ماسک بر صورتک، این مفهوم را می‌رساند که بر تابلوهای پرتره کرونا، همان ضربه‌های آشنا و کوبنده بهزاد شیشه‌گران نشسته، فرود آمده‌اند. ضربه‌هایی انگار که می‌خواهند پرده را از هم بدرند، چاک چاک کنند. همه

دلهره‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، اوهام و کابوس‌های آدمی، در آن دو چشم از حدقه در آمده و بر پوستر، خانه کرده‌اند. همه تکه‌های اشیا و بناها و حجم‌های در پرواز «سالوادور دالی» اینجا در هم تنیده و در ترکیبی چشم‌نواز و فریبنده، در هم آمیخته‌اند. همه از دنیایی پنهان در پشت آن نقاب، خبر می‌دهند.



**تصویر ۴: نقاب**

بهزاد شیشه‌گران، این جا هم، با همنشینی فرم نقاب بر صورت انسان، این مفهوم را رسانده که شیشه‌گران فرصتی یافته تا قدرت غریب‌اش را در خلق دنیای آن چشم‌های آمده در تابلو به تماشا بگذارد. شاهد این ادعا، مجموعه پرتره‌های او از آدم‌های شناخته است که پیش از این خلق کرده است و البته بیشترین آن‌ها، پرتره‌های تختی‌اند. در آن پرتره‌ها، هم چشم‌ها، از هر کس، از تختی، فروغ و شاملو که بر چهره‌ها نشسته‌اند، شخصیت‌هایش را در چشم آدم‌هایش، لخت و عریان می‌کند. اما اینجا چشم‌ها، در تابلوهای پرتره کرونا، درفضای مجازی چشم میلیون‌ها آدمند. آدم‌های هراسیده، آدم‌های دفن شده پشت آن نقاب‌ها، آدم‌های مضمحل، ویران، در پناه آن نقاب‌ها.



**تصویر ۵: نقاب**

به نظر می‌رسد همنشینی در تصویر فوق این معنا را می‌دهد که درمانده‌های چشم‌ها، پس از فروپاشی آدم‌ها، انسان‌هایی تازه می‌آیند و این راز ماندگاری انسان‌ها است. آن گاه است که آشفتگی‌های مانده در پشت نقاب‌ها، به آرامشی غریب دست پیدا می‌کنند، تا که سرانجام چهره‌ای صخره‌گون، جلوه می‌کند و نقاب، انگار دارد از صخره فرو می‌ریزد، تا از ماندگاری صخره بگوید. این همنشینی معنای ماندن و ماندگاری می‌دهد». چشم‌ها در تصاویر بر گرفته از هنر اکسپرسیونیسم کاملا اغراق شده و برگرفته از احساسات عمیق است. رنگ‌های تیره و سیاه که در پرتره ها نقش عمده‌ای دارند، نمادی از غم و اندوه است. در سایر پرتره‌ها از رنگ‌های چرکی چون زرد چرک با کنتراس زیاد استفاده شده برای نشان دادن حالتی اکسپرسیو و اغراق‌آمیز.

**جدول ۱: تقابل و محور جانشینی در تصاویر بهزاد شیشه‌گران**

| موضوع تقابل | در امان ماندن از ابتلا به ویروس کرونا | ابتلا به ویروس کرونا |
|---|---|---|
| ویژگی درونی | امید، آرامش | ناامیدی، غم و اندوه، |
| ویژگی اخلاقی | نگرانی در رابطه با درگیری کرونا، دلهره و اضطراب | عدم نگرانی در رابطه با درگیری کرونا |

با توجه به نتایج تقابل و محور جانشینی در جدول ۱ که از همنشینی در تصاویر هنری بهزاد شیشه‌گران ظاهر شده است، می‌توان گفت، همنشینی ویژگی‌هایی همچون بهت، غم، تنهایی، وحشت، اندوه، ترس و اضطراب، نگرانی و ...، ویژگی‌هایی است که افراد در پشت ماسک‌هایی که به صورت دارند، این معنا را می‌دهند که این افراد به دلیل ترس از ابتلا به ویروس کرونا و درگیری با این بیماری، آنها را به اجبار به رعایت پروتکل‌های بهداشتی وا داشته است و تمامی تصاویر هنری بهزاد شیشه‌گران، در ارتباط با زدن ماسک است با چهره‌های مختلف است که همه یک صدا یک هدف را «رعایت پروتکل‌های بهداشتی» دنبال می‌کنند.

تصویر شماره ۱، نشان می‌دهد در آن سوی نقابی که ترس و وحشت فراوانی در چشم‌های شخص آشکال دیده می‌شود، روزنه امیدی وجود دارد که جانشین آن ترس و وحشت حاصل از ابتلا و درگیری با ویروس کرونا شده است.

تصویر ۲، کابوسی همراه با هراس و اضطراب در پشت نقاب نشان می‌دهد که افراد در پشت این نقاب‌ها پنهان کرده‌اند، ولی در اصل افراد، در همان نگاه اول از پشت نقاب آگاهتان می‌کنند که تصمیم دارند چه کاری انجام دهند.

تصویر ۳، دلهره‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، اوهام و کابوس‌های آدمی را که از چشم بیرون زده‌اند و از پشت نقاب به خوبی دیده می‌شود را نشان می‌دهد که دنیای دیگری را نشان می‌دهد.

بهزاد شیشه‌گران در تصویر ۴،، قدرت غریبی را در خلق دنیای آن چشم‌های آمده در تابلو به تماشا گذاشته است که در آن تصاویر، شخصیت‌ها را در چشم آدم‌هایش، نشان می‌دهد.

تصویر ۵، ماندن و ماندگاری انسان‌ها را نشان می‌دهد که با رعایت پروتکل‌های بهداشتی از جمله ماسک زدن، افراد زنده می‌مانند و غم و اندوه از چشم‌ها می‌رود.

**بحث و نتیجه گیری:**

فراگیر شدن بیماری کرونا، تغییراتی اساسی در نحوه تعاملات انسان‌ها در سراسر دنیا بوجود آورده است. الگوها و روندهای کاری تغییرات اساسی کرده اند. بسیاری از هنرمندان، خصوصا در زمینه‌های نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر و غیره، در ارتباط با مخاطب همواره متکی به حضور فیزیکی بوده‌اند. پاندمی کرونا موجب شد تا فعالان حوزه هنر و فرهنگ مهم‌ترین ابزار ارتباطی خود را از دست بدهند. با بسته شدن گالری‌ها، سالن‌های نمایش، تئاتر، کنسرت و آموزشگاه‌های هنری، هنرمندان و مخاطبان محل ارایه آثار، نقد و تبادل نظر، آموزش و آموختن را از دست دادند. در این شرایط دشوار شبکه های اجتماعی و فضای مجازی نقش بسزایی در برقراری مجدد دیالوگ هنرمندان با یکدیگر و مخاطبان و همچنین در ارتقای سطح آگاهی و سلیقه ایفا کردند. آگاهی و آموزش صحیح است که استفاده از هر ابزاری را می‌تواند به فرصت تبدیل کند، این دقیقا اتفاقی است که در حوزه هنر و فرهنگ شاهد آن بودیم، یعنی استفاده آگاهانه و هوشمندانه از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری با دسترسی آسان و ارزان، جهت ارائه آثار، ارتباط با مخاطبان و انتقال پیام‌های آموزشی. در چنین شرایطی اطلاع‌رسانی رویدادهای مجازی، وبینارها و دوره‌های مجازی بهتر صورت می‌گیرند. استفاده از شبکه‌های اجتماعی موجب شد تا طیف گسترده‌تری از هنرمندان قادر به ارائه آثار خود باشند و هنرمندان به مخاطبان بیشتری دسترسی داشته باشند. هنرمند پیام خود را بی‌واسطه در معرض دید قرار می‌دهد. اینجاست که گفته می‌شود هنر و فرهنگ‌سازی به واقع از جامعه خود دور نیستند. از آنجا که نشانه‌شناسی رویکردی است که به چگونگی دلالت معنایی می‌پردازد، آثار نقاشی، فضای گفتمانی مناسبی برای تجزیه و تحلیل‌های نشانه‌شناسی به حساب می‌آید که در آن‌ها نظام‌های نشانه‌ای مختلف در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته تا بر کلیت معنایی اثر دلالت کنند و مخاطب را در جهت دستیابی به کشف مفاهیم رهنمون سازد.

**منابع:**


۱. دینه‌سن، آنه‌ماری، ۱۳۹۰، درآمدی بر نشانه‌شناسی، مظفر قهرمان، چاپ چهارم، تهران: نشر پرسش.
۲. کابلی، پل؛ لیتزا، یانتس، ۱۳۹۱، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر شیرازه.
۳. بارت، رولان، ۱۳۹۶، عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه ابراهیم شیخ زاده، تهران: نشر نور عطا.
٤. گیرو، پی‌یر، ۱۳۹۹، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
٥. هنفلینگ، اسوالد، ۱۳۹۸، چیستی هنر، ترجمه علی رامین، تهران: نشر هرمس.
٦. عناصری، جابر، ۱۳۹۷، روانشناسی هنری، تهران: انتشارات رشد.
۷. سعدی‌پور، ابراهیم، ۱۳۷۹، سیر اندیشه در هنر، تهران: نشر بوته.
۸. لاند، گارتن، ۲۰۰۲، هنر درمانی بالینی، ترجمه کیانوش هاشمیان و الهام ابوحمزه، ۱۳۹۷، تهران: نشر دانژه.
۹. ماندنی، بتول، ۱۳۸۴، نقش هنر در درمان بیماران روانی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه آموزشی کاردرمانی.
۱۰. به نیا، فاطمه، ۱۳۸۰، کاردرمانی در اختلالات ذهنی کودکان، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه آموزشی کار درمانی.
۱۱. بشیری، نصیر، ۱۴۰۰، مسئولیت اجتماعی هنر و بحران کووید ۱۹، فرهنگ و هنر، خبر: ۱۱۵۱۴۷.
۱۲. رضاخان، سعید، ۱۳۹۸، در بحران کرونا از ابزار هنر برای امیدبخشی به جامعه بهره ببریم، خبرگزاری شبستان، فرهنگ و هنر- تئاتر و هنرهای تجسمی، شناسه خبر: ۹۰۵۱۴۳.
۱۳. بیاتیان، مرتضی، ۱۴۰۰، نقش خط‌مشی‌های فرهنگی بر شدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی: کاربران اینستاگرام)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک.
۱٤. افتاده، جواد، ۱۳۹۰، آشنایی با تاریخچه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی. همشهری آنلاین، http://www.hamshahrionline.ir/news-۱۳۷۲۳۹.asp
۱٥. اکبری. الهام، ۱۳۹۰، تاریخچه شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ «یادگیری الکترونیکی»، تاریخ دسترسی ۹۰/۱۲/۱۹ http://learning-ict.blogfa.com/.
۱٦. آذربخش، علی‌محمد، ۱۳۹۱، رویکردی نظری به تاثیرات شبکه‌های اجتماعی بر تولید ملی و اشتغالدر میان جوانان، فصلنامه مطالعات جوان و رسانه، شماره ۶، ۱۱۶-۹۵.
۱۷. حسن زاده، علیرضا، ۱۳۹۶، تاملی بر فضا و جرم: جهتگیری فضای عمومی، خصوصی و مجازی در ایران. جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۴ (۱۰)، ۲۶۲-۲۳۱.
۱۸. کریمیان، کبری؛ پارسامهر، مهربان؛ افشانی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۶، بررسی جامعه‌شناختیِ عوامل مرتبط با گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی، مورد مطالعه: بین دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر شهرکرد، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال ۳، شماره ۱۰، ۲۰۸-۱۶۹.
۱۹. امانی‌کلاریجانی، امرالله، ۱۳۹۶، فضای مجازی و واکاوی سیاست‌های پیشگیرانه در کنترل آسیب‌های اجتماعی نوپدید، نشریه علمی، تخصصی رهیافت پیشگیری، شماره ۱، ۱۰۵-۹۰.
۲۰. شاهرودی، فاطمه، ۱۳۹۹، پیامدهای بحران بیماری کرونا در هنر معاصر ایران با تکیه بر حوزه‌های هنری نقاشی، مجسمه‌سازی، سینما و تئاتر، نشریه رهیافت، دوره ۳۰، شماره ۷۹، ۱۲۵-۱۱۳.
۲۱. شرفی، شهین؛ منظری‌توکلی، علیرضا؛ سلاجقه، سنجر، ۱۳۹۸، بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با میزان اجرای خط‌مشی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران با توجه به نقش میانجی مسئولیت‌پذیری اجتماعی. علوم اجتماعی، ۱۳ (۱)، ۲۰۴-۱۷۹.
۲۲. موریزی‌نژاد، حسن، ۱۳۸۹، بیوگرافی بهزاد شیشه‌گران، مجله تندیس: فرهنگ و هنر.
۲۳. **دلاور، ع.، ۱۳۹۶، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، چاپ سی و ششم، تهران، نشر ویرایش.**
۲۴. Case, C. Dalley, T. ۲۰۰۸. Art Therapy for children from Infancy to Adolescence. USA: Newyork and Lodon: Routledge.
۲۵. Andreas, C. ۲۰۰۵. The effects of Art education on Promotion of visual-Perceptual skills. USA: Florida University Press.

۲۶. Zaidel, A. ۲۰۰٦. Neuropsychology of Art. USA: Psucology Press.
۲۷. Schneider, G.P. Evans, J. Pinard, K.T. ۲۰۰٦. The Internet Fourth Edition- Illustrated Introductory (٤th Ed.). United States of America: Thomson CourseTechnology.
۲۸. Beseda, J. ۲۰۱۲. Cyber-anthropology: Novel Methods and Theoretical Challenges for Anthropology. In y Petr Gibas, Karolína Pauknerová, Marco Stella (eds.), Non humans in Social Science: Animals, Spaces, Thing (PP. ۲٥۷-۲٦۳), Prague: Pavel Mervart.
۲۹. Wills, M. Omar, J. El-Gayar, F. Bennett, D. ۲۰۰۸. Examining Healthcare Professionalš Acceptance of Electronic Medical Records Using UTAUT, Issues in Information Systems, IX, ۲: ۳۹٦-٤۰۱.